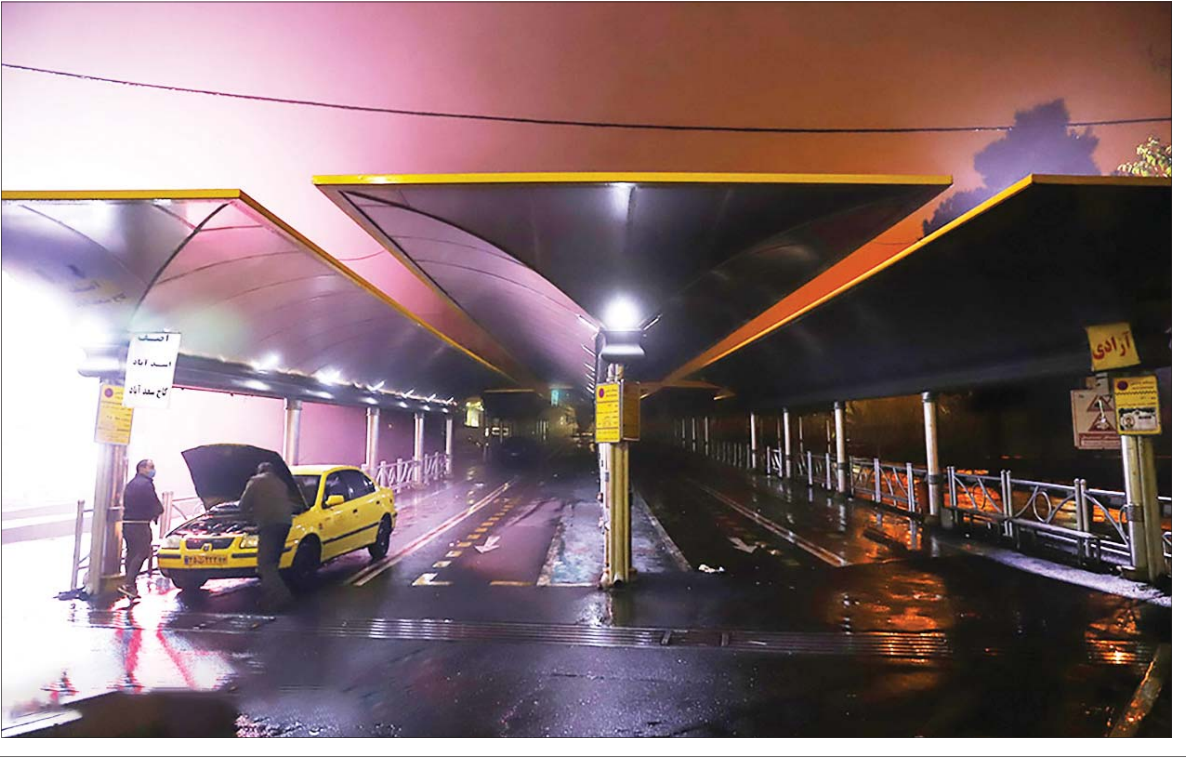


شرق

روزنامه

طرح محدودیت‌های کرونایی از اول آذرماه شروع شده و تردد خودروها از ساعت ۹ شب تا ۴ صبح ممنوع است. عکس: مصطفی رودکی، میزان



مغز اجتماعی-۱۴۰۰

مقاومت پاییزی

مهارت‌یافته اجرائی در زندگی ما هستند که اغلب نسبت به آنها خودآگاهی تاملانه و بازتابی نداریم. جالب اینکه اگر هم بخواهیم هم‌زمان به آنها خودآگاهی تاملی داشته باشیم، در اجرای هم‌زمان این مهارت‌ها دچار اشکال می‌شویم، زیرا دخالت مدارهای خودآگاهی تاملی در اجرای خودبه‌خودی آنها اختلال ایجاد می‌کند. این موضوع به دقت در مورد اجراهای هنری مختلف، مورد مطالعه قرار گرفته است.

موضوع مهم دوم در این رابطه، نقش عوامل فرهنگی در چند و چون یادگیری مهارت‌های اولیه اجرائی در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی است. خانم گونزالس در فرهنگی رشد کرده که می‌توانسته بالارین شود و باله دریاچه قوی چایکوفسکی را بارها روی صحنه تمرین و نمایش اجرا کند و همین امر باعث شده این اجراها در عمق مدارهای بدنی مغزی حافظه پنهان



عبدالحمن نجل رحیم مغزپژوه

عده زیادی از مردم دنیا با دیدن اجرای باله دریاچه قوی چایکوفسکی توسط خانم مارتا سسی گونزالس گرفتار فراموشی آلزایمر، روی صندلی چرخدار در خانه سالمندان ناحیه والنسیا در اسپانیا تعبیه‌زده شدند. چنین پیداست که خانم گونزالس در سال گذشته کمی پیش از مرگ، با شنیدن موسیقی چایکوفسکی، چنان به هیجان آمده که شروع به اجرای آن می‌کند، سوالی که برای اکثر شاهدان این فیلم مستند کوتاه پیش می‌آید این است که چگونه کسی که بیماری فراموشی یا آلزایمر دارد، می‌تواند با قطعه‌ای از موسیقی



کشتی - عاطفی اجتماعی او نقش ببندد و حتی بیماری فاجعه‌باری چون آلزایمر نیز نتواند به آن دسترسی پیدا کند. اما در شرایط فرهنگی دیگر، فاطمه خانم، بیمار من نیز پس از فاجعه پیشرفت بیماری آلزایمر زمانی که حتی نمی‌تواند دخترش را بشناسد، قادر به خواندن دقیق حمد و سوره نماز و حرکات سجود و رکود آن است که از نوجوانی و جوانی یاد گرفته است. باقی‌ماندن این توانایی در فاطمه خانم هم که هیچ چیز را به یاد نمی‌آورد، مایه تعجب اطرافیان می‌شود. به‌طوری‌که فامیل شک می‌کنند که شاید فاطمه خانم ادا درمی‌آورد که وانمود می‌کند بچه‌هایش را نمی‌شناسد. فاطمه خانم با خانم گونزالس هیچ‌کدام قدرت جادویی ندارند، بلکه تنها هنوز با کمک مدارهای عمیق مغزی بدنی‌شان، مهارت‌های اجرائی آموخته در کنش‌های عاطفی اجتماعی وابسته به فرهنگ دوران فعال زندگی‌شان را حفظ کرده‌اند.

طوری آن را با هیجان اجرا کند که گویند در حضور مخاطبان مشتاق خود قرار دارد.

امروزه با گشایش‌هایی که در فهم امر بدن‌مندی شناخت در مغزپژوهی اجتماعی صورت گرفته، ذکر چند نکته در تحلیل این مستند کوتاه از خانم گونزالس خالی از فایده نیست.

اول اینکه اگر شرایط خانم گونزالس مورد توجه مؤسسه‌ای که در پی یافتن نوعی موسیقی‌درمانی برای افراد آلزایمری است، قرار نمی‌گرفت چه بسا توانایی او در اجرای مهارتی که سال‌ها در خفا مانده بود، همچنان مخفی می‌ماند. بدیهی است که این خویشتن اولیه و حداقلی و آگاهی پیش‌تاملی اولیه ناشی از آن، که در بیمار آلزایمری پابرجا می‌ماند، ساخته تجربیات ادراکی کنش‌های عاطفی، اجتماعی فعالیت مدارهای عمیق مغزی در رابطه با بدن خود و دیگری است. این تجربیات بیناجسمانی و بیناسوژه‌ای، سازنده تجربیات

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۳ آذر ۱۳۹۹ = ۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ = ۲۳ نوامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۷۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۱۳

اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت

بوی مرگ، بوی آشنایی این روزها دامن مرد نجیب جامعه‌شناسی را هم گرفت. مردی دغدغه‌مند از اهالی روزگاری که هنوز هم می‌شود رد پایشان را دنبال کرد و نشانی و سراغی از آنها گرفت. حسن تراقی مردی از این جنس بود. با اینکه نه جامعه‌شناسی خوانده بود نه ادعایی درباره «جامعه‌شناس بودن» داشت، جامعه‌اش را خوب می‌شناخت و بسیار بیشتر و بهتر از برخی جامعه‌شناسان مدعی این روزگار، درد مردمش را داشت و برای درمان این دردها هم به دنبال راه‌حل‌های تکراری و کلیشه‌ای نبود. او برخلاف بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران ایرانی، ریشه مشکلات و مسائل جامعه ایرانی را نه محصور و محدود به حکومت‌ها و دولت‌ها که اتفاقا در رفتارها، باورها و کردارهای مردم به‌عنوان بازیگران و مهره‌های اصلی تشکیل‌دهنده یک جامعه توسعه‌یافته

می‌دانست. از نظر تراقی، توجه به جزئیات و اصول به نظر دمدستی، بسیار مؤثرتر و لازم‌تر از دست‌وپازدن در انواع «ایسم»‌های روزگار ما بود. او بسر این باور بود که باید مردم را با «فرهنگ» و «توسعه» آشتی داد و این آشتی‌دادن نه با تژها و نظریه‌های دانشگاهی که با تلاش برای تغییر رفتار آنها حاصل می‌شود. راهکار او برای این تغییر رفتار، بهره‌گیری از «زبان» مردم برای بیان مسائل و دغدغه‌های آنها بود. اقبالی که کتاب «جامعه‌شناسی خودمانی» در بین مخاطبان ایرانی داشت، نشان داد که او در این زمینه درست فکر می‌کرده. تراقی با این کتاب توانست مسائل کلان و پیچیده جامعه ایرانی را به زبانی ساده مطرح کند و مردم را با جامعه‌شناسی و نوع نگاه

این علم به تحلیل وقایع آشتی دهد. زبان ساده البته یکی از ویژگی‌های حسن تراقی و آثار و نوشته‌هایش بود: «صراحت» ویژگی مهم و بارز دیگر او بود؛ صراحتی که نخستین بار در کتاب تأثیرگذار «جامعه‌شناسی خودمانی» خود را نشان داد و از آن زمان تا امروز هم که سال‌ها از

سومین نکته اینکه پیوند انسانی برای رسیدن به هر نوع آگاهی الزامی است. به این معنا که در هر ارتباط مهارتی حرکتی پیش‌زبانی نیز به خویشتنی حداقلی و اولیه برای ایجاد نوعی فضای آگاهی پیش‌تاملی بیناجسمانی و بیناسوژه‌ای نیاز است. بنابراین هر دو فرد دچار آلزایمر (گونزالس و فاطمه خانم) در دو فرهنگ متفاوت برای اجرای این سطح از توانایی شناختی ناشی از خویشتن حداقلی و آگاهی پیش‌تاملی، نیاز به دیگری دارند تا طنین اعمالشان در واکنش آتسانی آنها، چرخه‌های آغازین آگاهی در زیست‌جهانشان را تأمین کند.

نکته چهارم اینکه بیماری آلزایمر با همه مشکلات و مصائبی که به بار می‌آورد، می‌تواند افشاکنده بخشی از خویشتن و آگاهی انسان باشد که بنا بر طبیعت هنگام سلامت در زیر لایه‌های مدبر و خودآگاهی پیدا و آشکار

در زندگی روزمره، مستور و مخفی می‌ماند و اغلب به حساب بدیهیات گذاشته می‌شود و اهمیت کارکردهای آنها به چشم نمی‌آید. به همین دلیل وقتی در بیماری آلزایمر بعضی از توانایی‌های نهفته رخ می‌نمایند، باعث تعجب همگان می‌شود.

نکته آخر اینکه ویدئوی اجرای باله دریاچه قوی چایکوفسکی توسط خانم گونزالس می‌تواند وایرال شود و میلیون‌ها بیننده جهانی

داشته باشد. درحالی‌که اجرای نماز فاطمه خانم نمی‌تواند توجه این‌چنانی را جلب کند. علت آن‌هم تا اندازه‌ای مربوط به سطح و درجه مهارتی مورد برای اجرای باله به‌عنوان هنری حرکتی پیچیده است و به دلیل همین پیچیدگی، برای همه میسر نیست که بالارین شوند. بنابراین وقتی یک بالارین دچار آلزایمر می‌شود و بخش اعظم قوه شناخت خود را از دست می‌دهد، هنوز می‌تواند با حرکاتی سنجیده در دست‌ها و نیم‌تنه و چهره خود، حرکات پیچیده هماهنگ با موسیقی ایجاد کند که از عهده افراد معمولی برنی‌آید و این خود باعث شگفتی بیشتر می‌شود. بدیهی است که بخشی از این شگفتی‌ها ناشی از قدرت هنر موسیقی و درهم‌تافتگی آن با هیجان و حرکات و جنبش پیچیده بدن به‌عنوان ریشه تفکر انسانی است. پدیده این‌چنانی مثل باقی‌ماندن چند برگ زرد مقاوم بر پیکره بی‌برگ درختی کهن در پاییزی سرد در انتظار زمستان است.

پیشخوان

فنون اقناع در رسانه منتشر شد

انتشارات دانشگاه تهران، کتاب فنون اقناع در رسانه را به بازار نشر آورد.سیدمهدی شریفی در پیشگفتار کتاب تصریح کرده است: ارتباط بین افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از رهگذر اقناع و رضایت و بدون فریب با دستیابی به عمق ذهن و دل انسان‌ها صورت گیرد، رشد تمدنی ملت‌ها را به همراه خواهد داشت که رسانه‌ها پیشگامان چنین رسالتی در توفیقات جامعه محسوب می‌شوند. دانشیار دانشگاه تهران اضافه کرده است: ذهن ابرهوشیار

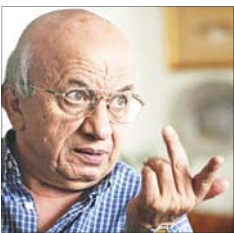
تلویزیونی: کنداکتور هوشمند، روایت، زاویه دوربین، فیلم سینمایی، انواع مستند خبری، آگهی‌های بازرگانی، زبان بدن، پژوهش‌های خبری، تئاتر، رنگ‌ها، موسیقی، نورپردازی، تدوین و اقناع در فضای مجازی است.

یادبود

مردی از جنس دغدغه

پژمان موسوی

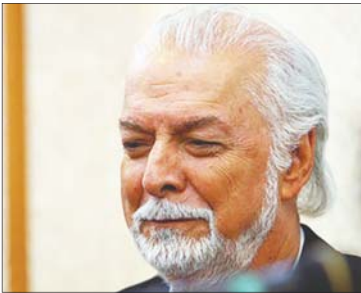
آن می‌گذرد، در لابه‌لای کتاب‌ها و مقاله‌ها و گفت‌وگوها خود را نشان داده است. او با مخاطبش همواره صریح و ساده سخن گفته و تلاش کرده با نثری روان و بی‌کلف، مسائل جامعه ایران را برای آنها مطرح کند و مهم‌تر از آن، انتقادات خود نسبت به رفتارها و کنش‌های مردم را بی‌واسطه با آنها در میان بگذارد. تراقی از همان روزهای جامعه‌شناسی خودمانی تا امروز، یک تَر اصلی داشته است؛ او و اندیشه‌ای که او یکی از نمایندگان اصلی آن است، پیرو ایده «خودانتقادی»‌اند؛ ایده‌ای که ترجیح می‌دهد «راه سوم» و «نگاه سوم» خودش را داشته باشد و خیلی به دسته‌بندی‌ها و چارچوب‌های مرسوم سپهر اجتماعی و سیاسی ایران کاری نداشته باشد. در همین چارچوب هم هست که او خیلی صریح از مردم انتقاد می‌کند، نظریه‌ها و دستورالعمل‌های مرسوم را زیر



سؤال می‌برد، عادات و رسوم و باورهای آنها را به نقد می‌کشد و ریشه بسیاری از مصیبت‌های امروز را در نوع رفتار و کنش آنها جست‌وجو می‌کند. خط فکری‌ای که او در تمام آثارش از جمله «جامعه‌شناسی خودمانی»، «پی‌نگته‌هایی بر جامعه‌شناسی خودمانی»، «من آنچه شرط بلاغ است»، «آقای‌نوسی به عمق فقط یک وجب»، «ناگفته‌ها»، «مکتب خودانتقادی»، «چکیده تاریخ ایران» و... دنبال کرده، بر همین چارچوب استوار است؛ چارچوبی که با وجودی که می‌توان نقدهایی را به آن وارد دانست اما نمی‌توان از اهمیتش کاست و دوران‌ش را پایان‌یافته قلمداد کرد. حسن تراقی جز به‌عنوان پژوهشگر و کنشگر اجتماعی، مدبری قابل و موفق هم در بخش خصوصی بود و در سال‌های دور دستی هم در روزنامه‌نگاری داشت. درگذشت او در ۷۷ سالگی، برای همه آنهایی که او را به شور زندگی و آزادیگی می‌شناختند، بی‌شک ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر خواهد بود. یادش تا همیشه با ما...

سوگ

خاموشی جلیلوند



ایسنا: چنگیز جلیلوند - صدای ماندگار دوبله - به دلیل ابتلا به ویروس کرونا درگذشت. او که در میان دوبلورها به مرد حنجره‌طلایی معروف بود، در ۸۰ سالگی درگذشت. خبر درگذشت این دوبلور باسابقه را ناصر ممدوح - دوبلور و مدیر دوبلاژ - اطلاع داد و اعلام کرد متأسفانه خبر درگذشت آقای چنگیز جلیلوند صحت دارد. مرگ ایشان برای ما ضایعه بزرگی است. او که از شنیدن این خبر به‌شدت متأثر بود، جمله‌ای کوتاه را به حرف‌هایش اضافه کرد: «زندگی تا بوده همین بوده است ولی این افرادی که از دست می‌دهیم، واقعا ستره‌های دوبله ایران هستند؛ خدا رحمتشان کند». جلیلوند، این دوبلور، مدیر دوبلاژ و هنرپیشه ایرانی، مدتی بود که به دلیل ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در بیمارستان بستری بود و آخرین خبرها از درگیری ۸۰ درصدی ریه‌اش به ویروس کرونا حکایت داشت. او ششم آبان‌ماه سال ۱۳۱۹ در شیراز متولد شد و همزمان با شروع حرف‌زدن جاملی اضافه کرد و به آن تولدش گفته بود: «عاشق این خاکم، این خاک برای من اصالت دارد». جلیلوند فعالیت هنری‌اش را در سال ۱۳۴۶ و با تئاتر به همراه ابوالحسن تهامی آغاز کرد. او دعوت شد تا به‌جای او در فیلم «گنج قارون» صحبت کند. او درباره تجربه‌اش گفته: «کمی تم جنوب‌شهری خودمان را به شیوه حرف‌زدن جاملی اضافه کردم و درهم‌آمیختن اینها ناگهان شد «گنج قارون». او به‌جای هیچ شخصیت منفی‌ای بازی نکرده است؛ «چون دوست

اتفاق

قطع می‌کردم و می‌گفتم بقیه‌اش باشد زنگ تفریح بعدی. پدرم امام‌جماعت مسجد محل بود. بچه‌ها برای ا جمیع می‌کردم و برای آنها اصول دین و فروع دین می‌گفتم. وقتی انقلاب شد و وارد تلویزیون شدید، تقریباً مجموعه‌ای از تجربیات گذشته را با خودمان همراه داشتیم». او ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱ وارد قم و خواندن درس طلبگی شد. در جوانی تاب «مهاجرت به حبشه» را با همکاری مصباحی‌مقدم نوشت. همین‌طور نشریه رنگارنگی را داشتند که قصه‌هایش در آنجا با عنوان «با شهامت می‌پر» منتشر می‌شد و فعالیت‌های مطبوعاتی‌اش هم اوایل انقلاب با مجله «کودک مسلمان» شروع شده بود نشریه‌ای که آقای فرزانه مدیر آن بود. او درباره حضورش در تلویزیون می‌گوید: «من به شهید بهشتی گفتم که می‌خواهم به تلویزیون بروم. ایشان گفتند خیلی خوب است. ما حدود دو ماه با آقای قطب‌زاده کلنجار رفتم؛ تا بالاخره او را راضی کردیم که با لباس طلبگی در صداوسیما برنامه اجرا کنیم. سرانجام او وارد صداوسیما شد و برنامه‌هایش مورد توجه کودکان آن سال‌ها قرار گرفت. درباره ۴۰ سال فعالیت او یک مستند تهیه شده است و در برنامه خندوانه نیز با اوگفت‌وگویی انجام شد.

یادداشت

ضعف مدیریت در بحران کرونا



مینو بدیعی

● کمتر از یک سال است که ویروس «کرونا» بر جهان حکم‌فرمایی می‌کند. کرونا مانند سواران سرنوشت قرون گذشته نظیر طاعون، تیفوس، وبا، آبله و... که میلیون‌ها انسان را مانند برگ‌های خزان‌زده به دیار وادی رهسپار کردند، هزاران انسان به اصطلاح مدرن را که باده نخوت تکنولوژی روز را در سرشان می‌پروراند، راهی وادی خاموشان کرد. کووید ۱۹، میلیون‌ها نفر دیگر را به این بیماری مبتلا کرد که روزهای سختی را تجربه کردند.

این ویروس، وضعیت اقتصادی جهان را به شکل اسفناکی تغییر داد. روابط اجتماعی را دست‌خوش تغییرات اساسی کرد، وحشت و ترس از مرگ و نابودی را در بین گروه‌های آسیب‌پذیرتر نظیر سالمندان، بیماران قلبی، مبتلایان به سرطان و... به شکل دهشتناکی گسترد. ویروس کووید ۱۹ معلوم نبود که ویروس جهش‌یافته سرماخوردگی ساده یا نوعی ویروس ناشی از تغییرات محیط زیستی ایجادشده به‌دست انسان یا حتی نمادی از جنگ بیولوژیکی قدرت‌های مسلط برجهان بود یا هست.

اما این ویروس هر چه هست «بی‌تدبیری»، «ندانم‌کاری» و نداشتن سیاست، مدیریت، بی‌برنامه‌بودن، دست روی دست گذاشتن سیستم مدیریتی کشور را در بخش درمان و بهداشت آشکار کرده است.

دها نفر از اعضای کادرهای پزشکی، درمانی و پرستاری و... که هزینه‌های زیادی برای آموزش و تعلیم آنان صرف شده است، به‌عنوان سربازان و مدافعان خط اول جبهه‌های مبارزه با این بیماری جان خود را از دست داده‌اند و این روند شوم همچنان ادامه دارد. در کنار آنها، مردمی که با کم‌وبیش حضور این ویروس مرگ‌بار را در زندگی روزمره خود حس می‌کردند یا نمی‌کردند، به دیار باقی شتافتند. آنچه بار دیگر چهره خود را در این وادی آشکارتر کرد، بازهم همان سیاست سوء مدیریت عالی بهداشت و درمان در کشور بود.

باید بی‌پروا بگوییم اگر هزاران نفر از هم‌وطنان عزیزمان در این دوران جان‌فرسا به‌دلیل بیماری کرونا جان باختند، آقای وزیر! شما و مجموعه مدیریت عالی درمان و بهداشت مسئول هستید. آقای وزیر! شما مقصردی که نگهبان جان و زندگی ده‌ها نفر از پرسنل شریف و کادر درمان و بهداشت کشور نبودید...

طب سنتی کدام است؟ طب سنتی چیست؟ بشر، بیشتر از دو قرن است که برای ریشه‌کنی بیماری‌های عفونی که منشأ میکروبی و ویروسی دارند، مشغول مطالعه و تلاش است. با اینکه پورسینا، دانشمند قرون وسطی ایران، به‌گونه‌ای پایه‌گذار طب مدرن است اما نظریات او درباره درمان بیماری‌های عفونی مرگ‌بار نظیر سل، وبا، طاعون، تیفوس و...منسوخ شده است، زیرا همه حتی کودکان ساده دبستانی هم می‌دانند که عامل بیماری‌های عفونی مرگ‌بار میکروب‌های بیماری‌زا هستند؛ بنابراین واکنسن همه این بیماری‌ها ساخته شده است و حتی به‌طورکلی میکروب آبله که همه‌ساله میلیون‌ها نفر از مردم جهان را می‌کشت و نابود می‌کرد، به‌وسیله پزشکی مدرن نابود شده است.

بدون اینکه بخواهم نظریه تخصصی پزشکی ارائه دهم، زیرا در این زمینه تخصصی ندارم، ویروس‌ها جز، انواع موجوداتی هستند که برای نابودی آنها هنوز واکنسن‌هایی ساخته نشده است، باید بگوییم که براساس گفته متخصصان پزشکی، راه درمان بیماری‌های ناشی از این ویروس‌ها، قطعاً نه طب سنتی است و نه دست‌و‌پا‌زده خرافه‌آمیز کسانی که ازطریق متافیزیک که تسلطی هم بر آن ندارند، بخواهند بیماری‌های ناشی از ویروس‌ها را ازبین ببرند.

آقای وزیر، بنابراین معاونان شما کاملاً درست می‌گویند؛ اگر نظرات مربوط به طب سنتی شما و همچنین عدم مدیریت درست شما بر مجموعه عظیم بهداشت و درمان و آموزش پزشکی کشور نبود، شاید عده‌ای از کادرهای درمان و پزشکان و پرستاران شریف این کشور جان خود را از دست نمی‌دادند.

آقای وزیر! شما اجازه دارید هر نامتخصصی در این زمینه اظهارنظر کند.

آقای وزیر، شما برنامه جامع و کاربردی چه در ارتباط با قرن‌تپنه و ایجاد محدودیت در فضای کشور ارائه ندادید.

آقای وزیر، قطعاً شما، نظریات تخصصی همکاران پزشکشان را به بالاترین مقام اجرائی کشور ارائه ندادید که براساس آن برنامه‌های اساسی را در کل کشور پیاده کنند.

قطعاً همه مقامات و مسئولان مملکتی اعتقاد دارند که در درجه اول همه آحاد این جامعه باید سلامت و زنده باشند تا چرخ اقتصادی بچرخد و امر توسعه ادامه پیدا کند.